

تأملی بر رهیافت قرآن کریم

به مقوله نوآوری برای نیل به توسعه اسلامی

مرضیه محمص*

چکیده

امروزه سطح ارتقای شایستگی‌ها و قابلیت‌ها در تمام عرصه‌های رقابتی، اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و مانند اینها، ملاکی برای تعیین توسعه‌یافتگی کشورها تلقی می‌شود. توسعه در کشورهای اسلامی فرایند تحول بلندمدت و همه‌جانبه‌ی جامعه در چارچوب غایات احکام اسلامی است و تحقق آن، پیش شرط‌های متعددی دارد.

نوآوری، یعنی روش ایجاد تحول در انگاره‌ها و بهره‌برداری از اندیشه‌های نو و خلاقانه در حل موضوعات روزآمد، از جمله بسترهای فرهنگی مهم در مسیر تحقق توسعه اسلامی به شمار می‌آید. مسلماً استخراج دیدگاه قرآن کریم در این باره تکلیفی عقلانی و دینی به شمار می‌آید.

این مقاله با هدف بهره‌گیری از روش تفسیر موضوعی و با مراجعه به تفاسیر مختلف با بررسی موضوعاتی همچون فطرت، تکامل و آزادی انسان از منظر قرآن کریم، جواز تحقق نوآوری در عرصه‌های مختلف را تبیین نموده و با الهام از رهنمودهای قرآن کریم، خصوصیات محوری نوآور مسلمان از جمله عبودیت، خردورزی، شرح صدر، غایتمندی و تلاشگری را ترسیم کرده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، نوآوری، توسعه اسلامی، نوآور مسلمان.

مقدمه

فراخی تدریجی است.^(۷) گسترده‌گی کاربرد این اصطلاح در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، و دفاعی، تجزیه و تحلیل مرزهای آن را برای محققان دشوار ساخته است. توسعه از جمله مفاهیم ارزشی و چندبعدی است که از آغاز پیدایش تاکنون سیری تحولی را پیموده است.^(۸) از توسعه در دانش‌ها و گستره‌های گوناگون تعاریف متفاوت و متعددی ارائه شده است. گروهی توسعه را فرایند گذار از سنت به تجدد تعریف می‌کنند.^(۹) گروهی دیگر توسعه را فرایند انتقال از وضعیت غیرعقلانی و نامطلوب به سوی وضعیت عقلانی و مطلوب می‌دانند.^(۱۰) در فرهنگ علوم سیاسی توسعه به معنای رشد و گسترش همه شرایط و جنبه‌های مادی و معنوی زندگی اجتماعی ذکر شده است.^(۱۱) البته غالباً توسعه را بر پیشرفت اقتصادی جوامع اطلاق و تعاریف نامتقحی از آن ارائه کرده‌اند. بهترین تعریف این است که «توسعه فرایندی است که زمینه شکوفایی استعدادهای گوناگون انسان را فراهم می‌سازد، تا با استفاده بهینه از منابع مختلف، بستر مناسبی برای رشد تولیدات ملی و هماهنگ با تأمین خواسته‌های اصیل انسانی دیگر فراهم آید و در نتیجه افراد جامعه در این فرایند مسیر تکاملی شایسته خود را بیمایند.»^(۱۲)

امروزه بسیاری صاحب‌نظران غربی به تعیین و تبیین شاخصه‌های توسعه پرداخته و با اشاعه نظریه‌های خود در کشورها از آن به مثابه وسیله سلطه‌جویانه بهره‌های فراوان برده‌اند. این تعاریف از توسعه، در کشورهای غربی بهبود وضعیت معاش، پیشرفت فناوری، تسلط بیشتر بر طبیعت و... را دربر داشته، اما پیامدهای تلخی چون تنوع‌گرایی، لذت‌طلبی و تهی شدن انسان‌ها از جنبه معنوی را نیز به دنبال داشته است.^(۱۳) می‌توان گفت

«نوآوری» واژه‌ای فارسی و معادل آن در زبان عربی معاصر «التجدید» است.^(۱) به کارگیری این واژه در ایران و سایر کشورهای مجاور از قرن ۱۹ میلادی متداول گشت.^(۲) در معجم‌های لغوی متقدمان، فحوای مدنظر ما از نوآوری، در زیرمجموعه‌های ریشه «بدع» آمده است؛ یعنی کلمه نوآوری و بدعت‌گذاری یکسان تلقی شده‌اند. در کتاب‌های لغت طراز اول «بدع» به آفریدن، آغاز نمودن^(۳) و ساخت چیزی بدون الگویی پیشین معنا شده است.^(۴)

در فرهنگ‌های لغت معاصر «نوآوری» ساختن چیزی تازه یا نظریه‌ای جدید در فرایند تولید است.^(۵) مفهوم نوآوری در قرآن کریم با ریشه‌های فعلی همچون بدع (بقره: ۱۱۷؛ انعام: ۱۰۱)، بدء (بروج: ۱۳؛ روم: ۱۱؛ یونس: ۳۴)، انشاء (یس: ۷۹؛ واقعه: ۷۲؛ عنکبوت: ۲۰)، خلق (نحل: ۴؛ فرقان: ۵۴؛ علق: ۲) و فطر (انعام: ۷۹؛ روم: ۳۰) تداعی می‌شود.

مفسران با اشاره به اسم فاعل چنین ریشه‌های فعلی این نام‌ها را از جمله «اسماء حسنی» یا نام‌های نیک نامتناهی باری تعالی و حاکی صفاتی ثبوتی الهی می‌دانند و معتقدند باید بدان صفات ایمان آورد و کوشید پرتوی از مفهوم این صفات را در وجود انسانی خود که از صبغه‌ای الهی برخوردار است منعکس کرد، چراکه هدف از ذکر چنین صفاتی تشویق به تخلّق بدان‌هاست.^(۶)

در مجموع می‌توان گفت نوآوری توانایی ارائه مفهوم یا فرآورده‌ای جدید در متن حیات است و به صورت‌های گوناگونی ظهور می‌یابد، از جمله: ارائه محتوایی کاملاً جدید و نوظهور، حل تناقضات و تعارضات میان مبانی چندین اندیشه و ارائه طبقه‌بندی نو از آگاهی‌های پیشین. واژه «توسعه» به معنای گسترش، تطور، خروج و

راه کارهای صریحی ارائه گردیده که تحقق آن به توسعه اسلامی خواهد انجامید. از جمله این راه کارها عبارت‌اند از: اصل منع تسلط بیگانگان بر مسلمانان،^(۱۴) اصل عزتمندی مؤمنان،^(۱۵) اصل وجوب مقابله با تجاوزکاران،^(۱۶) اصل راهیابی خداشناسان.^(۱۷)

از دیگر سو طیف وسیعی از شاخصه‌های موردنیاز توسعه شناسانده شده است. یکی از این شاخصه‌ها که کمتر در کانون دقت قرار گرفته نوآوری است. به نظر می‌آید نوآوری به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های فرهنگی در روند توسعه اسلامی، سبب خواهد شد رکودی که در بعضی عرصه‌ها دامنگیر جوامع گردیده، زائل شود.

کتاب‌ها و مقالاتی که تاکنون با عنوان نوآوری نوشته شده، غالباً با رویکرد مدیریتی یا روان‌شناختی بوده است. برای مثال می‌توان به مقاله‌های زیر اشاره کرد:

- مقاله «آسیب‌شناسی خلّاقیت و نوآوری در دانشگاه»^(۱۸) به عوامل و موانع تحقق نوآوری در دانشگاه‌ها با استناد به مبانی مدیریتی اشاره کرده است.

- «جایگاه نوآوری و شکوفایی در قرآن»^(۱۹) به تبیین تمایز خلّاقیت و نوآوری پرداخته و بر اهمیت بحث نوآوری و شکوفایی در قرآن کریم تأکید کرده است. شایان ذکر است در میان نوشته‌های معاصران بحث نوآوری به طور مدون با تعیین مبانی قرآنی و تنقیح شاخصه‌های آن در جهت نیل به توسعه در کانون بررسی قرار نگرفته است.

مقاله حاضر به اجمال، در پی پاسخ‌گویی به دو پرسش اساسی درباره نوآوری است:

۱. اتخاذ رویکردهای نوآورانه در موضوعات تا چه اندازه مورد تأیید آموزه‌های قرآنی است؟
۲. آراسته شدن به چه خصوصیتی برای نوآور

فرایند توسعه در غرب، نقش دین را به حاشیه رانده است. بی‌شک چنین توسعه‌ای برای جامعه‌ای دین‌مدار مقبول نیست و برخی از شاخصه‌های آن در تضاد صریح با مبانی ارزشی اسلامی قرار دارد.

جهان‌بینی توحیدی اسلام که تجلی‌گر دینی بصیرت‌بخش و پویاست، برخلاف تعاریف کمی ارائه شده از توسعه در غرب، گونه‌ای از رشد و توسعه را فراروی پیروان قرار می‌دهد که بر جهان‌بینی آنها منطبق است؛ چراکه توسعه مورد پذیرش یک جامعه اسلامی با باورهای نهادینه شده در نظام ارزشی اسلام در تعارض نیست و با روح دیانت و با ساختار کلی حاکم بر جامعه تناسب کامل دارد.

پیش‌فرض ما در این پژوهش آن است که الگوهای توسعه که نظریه‌پردازان غربی ارائه کرده‌اند، در تمام اقلیم‌های فرهنگی و تاریخی، به ویژه کشورهای اسلامی، قابلیت اجرا ندارند و الگویی جامع و مانع برای همگان محسوب نمی‌شوند؛ زیرا اساساً هدف توسعه مطلوب اسلامی در گام اول، تعالی و رشد روحی و معنوی انسان است.

در معارف دینی، «توسعه» با مفهوم جامع‌تری مطرح می‌شود و همه فرایندهای حیاتی انسان به عنوان موجودی دوساحتی را دربر می‌گیرد. شاید بتوان واژگان «رشد»، «تکامل» و «اعتلاء» را با اندکی تسامح معادل «توسعه» شمرد.

بر این مبنا لازم است اهداف مدنظر در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و علمی به روشنی تعیین گردد و از الگوهای رهایی‌بخش و مستقل اسلامی برای تشریح مفهوم توسعه در آن عرصه بهره‌برداری شود. بدین منظور ارائه شاخصه‌های توسعه اسلامی تلاشی مبارک در مسیر امحای برنامه‌های غربی منش توسعه در ممالک اسلامی است.

به جرأت می‌توان گفت در فرهنگ قرآنی از یک‌سو

مسلمان برای نیل به توسعه اسلامی ضروری است؟
به پرسش اول ذیل عنوان «جواز نوآوری» و پرسش دوم زیر عنوان «خصوصیات نوآور مسلمان» پاسخ می‌دهیم.

۱. دلایل‌های جواز نوآوری

قرآن کریم از مسائلی در مورد انسان و زندگی انسان سخن گفته است که می‌تواند جوازنامه‌ای بر نوآوری در اسلام باشد. این مسائل عبارت‌اند از:

۱-۱. فطرت انسانی

«فطرت» در میان مباحث مطرح در معارف اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. نخست کاربرد این واژه در آیه ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾ (روم: ۳۰)؛ (پس [تو ای رسول] مستقیم رو به جانب آیین پاک اسلام آور و پیوسته از طریق دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن) سپس شرح و بسط آن در قالب احادیث معصومان علیهم‌السلام، موجب توجه دانشورانِ ساحتِ انسان‌شناسی از ابعاد گوناگون بدان گردید. موضوع وجود فطرت یا سرشت در انسان یا به عبارت دیگر فطرت‌مندی انسان، با توجه به ادله دینی،^(۲۰) تقریباً امری مسلم است و اساساً بسیاری از سنت‌های الهی همچون ارسال رسل و نزول کتب آسمانی در صورت پذیرش چنین مقدمه‌ای معنا و مفهوم خواهد یافت.

سوالی که ممکن است به ذهن متبادر شود این است که آیا نوآوری نیز از جمله فطریات و خصوصیات سرشتی و نهادینه شده در عمق وجود انسان می‌باشد که اسلام بر تحقق آن صحه گذاشته است؟

در پاسخ باید گفت واژه «فطرت» به تعبیر شهید مطهری «ام‌المسائل»^(۲۱) و «هسته حیات انسانی»^(۲۲) است. آیت‌الله جواد آملی از آن با عنوان «فرهنگ

مشترک»^(۲۳) یاد نموده است. از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های فطرت، همگانی بودن و فراگیری، فراحیوانی بودن، غیراکتسابی بودن، زوال‌ناپذیر بودن، قداست داشتن و ملاک تعالی انسان بودن است.

از بررسی آرای دانشوران فرهیخته چنین برمی‌آید که همگان در مرزبندی گستره کارکرد فطرت بر حیطه‌های علمی و عملی یا نظری و اخلاقی تأکید دارند و وجود فطرت از دیدگاه اسلام امری انکارناپذیر تلقی شده است.^(۲۴)

برخی از اندیشوران به صراحت، موضوع ابداع، آفرینندگی و ابتکار را از جمله مهم‌ترین فطریات در نهاد انسان برشمرده‌اند.^(۲۵) برخی نیز معنای موردنظر ما از نوآوری را ذیل عنوان میل فطری «کنجکاوی» مطرح کرده و در تعریف آن نوشته‌اند: «این همان حسی است که از روز نخست فکر بشر را به بحث و بررسی پیرامون مسائل مهم و مجهول وادار کرده، و در پرتو آن علوم و صنایع پدید آمده‌اند. این همان حسی است که از روزگار پیش به کاشفان و مخترعان و پایه‌گذاران علوم، نیرو بخشیده که از روی رازهای نهفته پرده بردارند، و به نام‌لایمات و سختی‌ها در طریق کشف رازهای طبیعت، تن دهند.»^(۲۶) بدین ترتیب موضوع جالب توجهی که به چشم می‌خورد، تأکید بزرگانِ عرصه عقاید و تفسیر، مبنی بر فطری بودن موضوع ابتکار و نوآوری است. طرح چنین مبحثی می‌تواند بسیار رهگشا باشد؛ چراکه در این صورت و بر مبنای دو مقدمه اساسی، به استنتاج‌هایی منطقی و نو دست خواهیم یافت:

مقدمه اول آنکه دین‌پژوهان بر سازگاری و تناسب کامل اسلام با فطرت انسانی هم‌رأی‌اند. بعضی دیگر دین اسلام را مبنی بر اساس توحید و معارف و احکام آن را مطابق با فطرت و هدف آن را به انجام رسانیدن خواسته‌های فطری انسان و تعدیل آنها می‌دانند و این امر

را حق طبیعی و مشروع انسان می‌شمارند.^(۲۷)

مقدمه دوم عبارت است از اینکه نوآوری و خلاقیت یکی از فطریات و امور سرشتی محسوب می‌شود. می‌توان گفت تمایل به نوآوری به عنوان یک سابق درونی و سرشتی، منشأ بسیاری از تحولات و حرکات در زندگی بشر بوده است.

بر این اساس می‌توان به دو نتیجه ارزشمند نایل آمد: ۱. اسلام مؤید و تصدیق‌کننده نوآوری در محدوده تعیین شده و همسو با سایر فطریات است. به عبارت دیگر، اسلام مجموعه نوآوری‌هایی را که در مسیر عبودیت و استفاده بهتر از نعمت‌های بی‌کران الهی است نه تنها منع نمی‌کند، بلکه تحسین می‌کند.

۲. از آنجا که امور فطری همگانی‌اند، چنانچه از یک سو افراد به درجه مطلوبی از خودشناسی - که حقیقتاً گام اول در مسیر خداشناسی است - برسند، و از سویی دیگر در محیطی مناسب رشد و نمو یابند، منشأ بروز نوآوری‌های شگرفی خواهند شد. البته نوآوری در زمینه‌های مختلف مستلزم آشنایی با اصول و مبانی و شاخصه‌های همان رشته است، و در صورت وجود انگیزه کافی برای بارور ساختن این بعد فطری و همچنین در صورت زودن عوامل زوال فطرت، نوآوری در آن زمینه محقق خواهد شد.

۲-۱. تکامل آدمی

کمال یک موجود، به فعلیت رسانیدن استعدادهای سرشتی اوست^(۲۸) و تکامل گام برداشتن در مسیر کمال می‌باشد.^(۲۹)

از منظر قرآن کریم، تمام مخلوقات در جهت کمال و رشد، هدایت فطری شده‌اند. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى﴾ (طه: ۵۰)؛

پروردگار ما کسی است که هر چیزی را خلقتی که درخور اوست داده، سپس آن را هدایت فرموده است. مطابق این آیه، سیر تکاملی پدیده‌ها در جهان تأیید شده است؛ چراکه اساساً حکمت اعطای موهبت‌ها، فراهم‌سازی امکانات مورد نیاز برای نیل به تکامل است. علامه طباطبائی در این باره می‌نویسد: «هر چیزی با جهازی که بدان مجهز گشته به سوی کمالش هدایت شده و هادی او خداست.»^(۳۰) پس سنت فطری کمال سراسر خلقت را فراگرفته و موجودی از این قانون مستثنی نیست؛ زیرا خداوندی که خود کمال مطلق است، مخلوقی در مسیر کمال می‌آفریند.^(۳۱)

در میان موجودات، انسان به دلیل برخوردار بودن از موهبت‌هایی همچون اختیار و اندیشه، بیشترین استعداد را برای حرکت تعاملی داراست. محققان بر این باورند که انسان موجودی با قابلیت تکامل نظری (شناختی یا علمی) و تکامل عملی است. کمال نظری عبارت از هرگونه معرفت حصولی یا حضوری جدیدی است که به نسبت نوع و اهمیت آن، نقشی در رشد و کمال نفس آدمی ایفا می‌نماید. بنابراین تعریف، بشر موجودی است که در سایه فزونی معرفت و آگاهی، کمالی نو می‌یابد.^(۳۲) کمال در این معنا ارتباط مستقیمی با موضوع نوآوری دارد، تا آنجا که برخی نوآوری را فرایند تغییر و تکامل سازمان‌بندی حیات ذهنی دانسته‌اند.^(۳۳) به عبارت دیگر می‌توان گفت نوآوری یکی از نشانه‌های، تکامل افراد در بعد نظری است. علامه طباطبائی در این باره می‌نویسد: «اجتماع بشری در سیر ارتقایی خود، تنها به یک چیز احتیاج دارد و آن این است که روزبه‌روز در طرق استفاده از مزایای طبیعت تحول و تکامل یابد. این تحول از طریق بررسی فنی و مداوم و پیگیری و تطبیق دائم عمل بر علم حاصل می‌شود و اسلام از هیچ‌یک از این موضوعات

جلوگیری نکرده است.»^(۳۴)

در تعالیم قرآنی، بر رابطه کیفیت عمل و تغییر تکاملی تأکید شده است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوهُ مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ (رعد: ۱۱)؛ در حقیقت خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند. شهید مطهری در این باره می‌نویسد: «اینکه تا مردمی با ابتکار خودشان در اوضاع و احوال خود تغییری ندهند خداوند اوضاع و احوال عمومی آنها را عوض نمی‌کند، سنت لایتغیر الهی است.»^(۳۵) این اصل قرآنی، لزوم تولد تازه و حرکت جدید را در عرصه‌های فکری و عملی، اثبات می‌نماید.

نوآوری مقدمه هر تولد و حرکت نو است. نوآوری اسلامی که در سیر تکاملی انسان و توسعه جامعه اسلامی نقشی فعال ایفا می‌کند از راه علم صائب و عمل صالح اجرایی خواهد شد.

۳-۱. آزادی انسان

آزادی از جمله مهم‌ترین خواسته‌های سررشتی آدمی و مقدسات بشری محسوب می‌شود. اسلام آزادی را «واقعیت مقدس»^(۳۶) و «یک اصل مهم اسلامی»^(۳۷) می‌داند. قرآن کریم، اسلام را منادی و پیام‌آور آزادی معرفی می‌کند و می‌فرماید: ﴿وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ﴾ (اعراف: ۱۵۷)؛ از [دوش] آنان قید و بندهایی را که برایشان بوده است برمی‌دارد.

آزادی از دیدگاه اسلام، رها شدن از اسارت غیر خداست؛ تا آن اندازه که رسیدن به آزادی و نجات خویش از انواع بندگی‌های پنهان و آشکار، از مهم‌ترین هدف‌های هر مسلمانی به شمار می‌آید و همواره مورد تأکید و تشویق است تا مبادا لحظه‌ای در یکتاپرستی متزلزل شود و طوق بندگی غیرخدا را بر گردن نهد و در

نتیجه گوهر ارزشمند آزادی را به رایگان از دست دهد. خلاصه می‌توان گفت پذیرش موضوع آزادی از سوی دین مبین اسلام، حاصل پذیرش اصول معین و ویژه‌ای در انسان‌شناسی اسلامی است. از جمله می‌توان به انتخابگری انسان^(۳۸) مکلف بودن انسان،^(۳۹) مورد آزمایش قرار گرفتن انسان،^(۴۰) و مقام خلیفه‌اللهی^(۴۱) او اشاره کرد. نکته مهم آنکه حدود آزادی را موازین و احکام اسلامی تعیین کرده است. شهید مطهری حدود و مرزهای آزادی را مسیر انسانیت معرفی می‌کند و می‌نویسد: «ملاک شرافت و احترام آزادی انسان این است که انسان در مسیر انسانیت باشد. انسان را در مسیر انسانیت باید آزاد گذاشت، نه انسان را در هر چه خودش انتخاب می‌کند ولو بر ضد انسانیت باشد.»^(۴۲)

در اینجا ممکن است این شبهه مطرح شود که با پذیرش این مقدمه که آزادی یکی از ارزش‌های انسان قرآنی است، پس لزوماً نوآوری نیز عملی به فراخنای آزادی اوست. در پاسخ به این شبهه باید گفت: صرفاً تأیید مفهوم آزادی در قرآن، نمی‌تواند دلیل کافی بر این امر باشد و لزوماً باید حدود و ثغور آزادی در انواع قابل طرح آن همچون آزادی عمل، آزادی اندیشه و آزادی بیان تعیین گردد، سپس امکان نوآوری در هر یک از حیطه‌های مذکور معین شود.

۱-۳-۱. آزادی اندیشه: اندیشیدن یا تفکر همان بهره‌گیری از نیروی عقل برای یافتن حقیقت و رفع مجهولات است. اندیشه باید آزاد باشد، تا بتواند حقایق را آن‌گونه که شایسته است دریابد. در منشور قرآن با خطاب‌هایی همچون ﴿أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ﴾، ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ﴾، ﴿أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ و بسیاری عبارات دیگر بر اندیشیدن تأکید شده است.

علامه جعفری آزادی اندیشه را مستلزم پدید آوردن تمدن‌ها معرفی می‌کند:

۱-۲.۳. آزادی عمل: از دیدگاه اسلام، انسان در نحوه عملکرد خویش مختار است و جبری بر او حاکم نیست: ﴿فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾ (انسان: ۲۹ و مزمل: ۱۹) البته انسان در قبال اعمال منتخب خویش مسئول است و در روز قیامت درباره افعال او سؤال خواهد شد: ﴿ثُمَّ لَنَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ﴾ (تکواثر: ۸): و تمامی اعمال خود را حاضر خواهد دید: ﴿يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ﴾ (آل عمران: ۳۰) و از نتایج آن اعمال برخوردار می‌شود: ﴿وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (زخرف: ۷۲) علاوه بر آن در همین دنیا نیز بازتاب اعمال شایسته یا ناشایست خود را دریافت می‌کند: ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾ (زلزله: ۷ و ۸).

در مجموع، انسان قرآنی آراسته به آزادی معقول یا آزادی مسئولانه مقید است. پذیرش این موضوع در ارائه نوآوری‌ها بسیار مهم است؛ چراکه بر این مبنا افراد با در نظر گرفتن مجموعه مسئولیت‌های فردی و اجتماعی خویش، امکان نوآوری در حیطه‌های مجاز را دارند؛ یعنی می‌توانند از امکانات موجود به نحو معقولی استفاده کنند. به عبارت دیگر در عین آزادی، به قیود و حیانی و عقلانی موجود شریعت مقیدند. این قیود مهارکننده طغیان‌گری‌ها و سوق‌دهنده او در مسیر کمال واقعی محسوب می‌شوند. یکی از محققان معاصر، پس از ارائه تعاریف مختلفی از آزادی، یکی از تعاریف را سازگارتر با جهان‌بینی الهی می‌داند و آن آزادی به معنای «فراهم ساختن شرایط شکوفایی استعدادها»^(۴۵) است. به نظر می‌آید این تعریف از آزادی، حیطه نوآوری‌ها را در عرصه عمل به خوبی مشخص می‌نماید:

هر فردی، با استعداد و توان خاصی آفریده شده و اختلاف در لیاقت و شایستگی‌ها رمز همزیستی و

زیرا هنگامی که انسان‌های یک جامعه نتوانند فعالیت‌های مغزی و عضلانی را مستند به شخصیت خود بدانند و وجدان خود را در آن فعالیت‌ها آزاد احساس کنند، خود را نوعی ماشین تلقی کنند که عوامل جبری درونی و بیرونی آنان را اداره می‌کند، در این صورت دچار بیگانگی از شخصیت خود شده، رنج مستمری در درون خود ایجاد می‌کنند و هرگونه رشد و تحول و پویایی را از دست می‌دهند.^(۴۳)

شهید مطهری آزادی اندیشه را مایه پیشرفت و رشد اسلام برشمرده، می‌نویسد:

تجربه‌های گذشتگان نشان داده است که هر وقت جامعه از یک نوع آزادی فکری ولو از روی سوءنیت برخوردار بوده است، این امر به ضرر اسلام تمام نشده، بلکه در نهایت به سود اسلام بوده است. اگر در جامعه ما محیط آزاد برخورد آرا و عقاید به وجود بیاید، به طوری که صاحبان افکار مختلف بتوانند حرف‌هایشان را مطرح کنند، و ما هم در مقابل آرا و نظریات خودمان را مطرح کنیم، در چنین زمینه‌ای خواهد بود که اسلام هرچه بیشتر رشد می‌کند.^(۴۴)

البته چنان‌که در بخش مربوط به آزادی انسان در عملکردها نیز اشاره شد، ذکر این نکته ضروری است که در اسلام، آزادی توأم با احساس مسئولیت، از اصولی‌ترین حقوق انسانی به شمار می‌رود و اصولاً وجود دستگاه تعقل و ادراک، در انسان برای آزادانه اندیشیدن و بهره‌گیری از مواهب خلقت در سیر استکمالی بشر است. پس نوآوری‌هایی که بر پایه اصول آزاداندیشی شکل می‌گیرد، باید هدفمند و در جهت غایات انسان دوستانه و خدامدارانه باشد.

صورت گفت‌وگو صورت پذیرد، ابهام‌های دیرینه را از سیمای حقیقت می‌زداید، و چهره واقعیت با درخشندگی خاصی نمایان می‌شود.

آزادی بیان در زندگی پیامبران و معصومان به خوبی تبلور یافته است. امام صادق علیه السلام در حدیثی زندگی حقیقی را در گرو تحقق آزادی بیان در جامعه معرفی کرده‌اند. ایشان از اسماعیل البصری پرسیده‌اند: «آیا شما می‌توانید در مکانی جمع شوید و با یکدیگر به گفت‌وگو بپردازید و آنچه را می‌خواهید بیان کنید و از هر کس بیزاری جوید و به هر کس می‌خواهید مهربانی کنید؟» او در پاسخ گفت: آری، حضرت فرمودند: «آیا زندگی جز این است؟!» (۴۸)

در تبیین ملازمه میان آزادی بیان و نوآوری نگاشته‌اند: رمز ترقی اندیشه‌ها و بهره‌مندی‌های ناشی از آن، در اظهار نظر و تضارب آرا نهفته است. ابتکار و نوآوری، مرهون محیط آزاد اجتماعی است. آزادی گفتار، وحدت و هم‌بستگی را در جامعه گسترش می‌دهد و با کاهش کینه‌ها، نقاط ضعف، سستی و نارسایی‌های پنهان یک جامعه را آشکار می‌کند و در نهایت، مانع از پیدایش استبداد، اختناق و طغیان اجتماعی می‌گردد. در مقابل، جلوگیری از بیان افکار و عقاید سبب تنبلی مغزها و سلب قوه ابتکار می‌شود؛ افراد قالبی بار می‌آیند؛ جوانه‌های استعداد می‌خشکد؛ حرکت و تحول افول می‌کند؛ زمینه نفاق، اختلاف، پنهان‌کاری و نافرمانی به وجود می‌آید و زمینه‌های انحراف و بدعت پدیدار می‌گردد. (۴۹) یکی از نکات مهمی که از بررسی آیات قرآنی حول محور آزادی بیان به چشم می‌خورد، تلقی همگانی بودن آزادی بیان است. به این معنا که آزادی بیان به عنوان حقی انسان و به طور خاص اسلامی مطرح شده است. در توضیح این مسئله می‌توان گفت، آزادی بیان از جمله ملزومات اجرایی

پیوستگی افراد به یکدیگر است، ولی استعدادها در هر شرایطی شکوفا نبوده، بلکه در شرایط خاصی، خود را نشان می‌دهند. واقعیت آزادی عبارت از فراهم ساختن شرایط شکوفایی استعدادها در جامعه است. به گونه‌ای که هر فرد و هر گروهی از شرایط موجود بهره‌مند شود و راه رشد و تکامل را در پیش بگیرد و توان‌ها را به فعلیت تبدیل سازد. مساعد ساختن شرایط برای شکوفایی استعدادها نامی جز آزادی که شاخه‌ای از عدالت است ندارد. (۴۶)

نویسنده سپس خلاقیت و آفرینش‌گری روزافزون را نخستین عامل تحقق آزادی و شکوفایی استعدادها معرفی می‌کند و بر لزوم بهره‌گیری از آموزه‌های الهی در این مسیر تأکید ورزیده، می‌نویسد: «رنسانس در غرب هرچند نوآوری‌هایی در علوم طبیعی و فلکی پدید آورد و قوانین پوشیده را آشکار ساخت ولی بر اثر غفلت از آموزه‌های الهی یک نوع انحطاط فکری درباره شناخت انسان و ماورای طبیعت به بار آورد که هرگز قابل جبران نیست.» (۴۷) بدین ترتیب آنچه در عملکردهای نوآورانه انسانی باید مورد توجه قرار گیرد، مستند بودن بر آموزه‌های وحیانی است. به عبارت دیگر در عرصه نوآوری، رعایت حدود شرعی تضمین‌کننده مطلوبیت نتیجه عمل است.

۳-۳-۱. آزادی بیان: بیان سخنی بر مبنای اندیشه است که از معنای مورد نظر گوینده پرده برمی‌دارد. آزادی بیان عبارت است از طرح هر نوع اندیشه، که به صورت‌های گوناگون عرضه می‌گردد، مانند گفتار و نوشتار، تصویر و فیلم، تئاتر و تریه و هر چیزی که می‌تواند اندیشه انسان را در اذهان مخاطبان مجسم سازد. بیان اندیشه‌ها از موهبت‌های الهی است که قرآن از آن یاد می‌کند و می‌فرماید: ﴿ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ﴾ (رحمان: ۴ و ۳) هرگاه بیان اندیشه به

۲. خصوصیات نوآور مسلمان

در نگرش قرآنی، انسان جایگاهی فراتر از دیگر مخلوقات دارد؛ چراکه خداوند متعال او را شایسته جانشینی خود بر هستی قرار داده است. در آیات قرآنی، به این نکته اشاره شده است که وی موجودی است که تمام اسماء الهی را به صورت ظرفیتی غیرفعال و سرشتی داراست و او بشر را به اسماء حسناى خود دعوت کرده است.

مطابق آیه ﴿وَمَثَلُهُمْ فِي الْآيَاتِ كَذُرِّعٍ أُخْرِجَ شَطَأُهُ فَأَزْرَهُ فَأَشْتَعَلَتْ فَاشْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ﴾ (فتح: ۲۹)؛ (و مثلی آنها در انجیل کز زرع آید که جوانه خود بر آورد و آن را مایه دهد تا سبتر شود و بر ساقه های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد)، پیامبر ﷺ و امت راستین او مجموعه ای نو و دارای ویژگی های زاینده، فزاینده و همواره در حال رویش و پرورش اند و در سایه چنین خصوصیتی، استحکام می یابند.

در این میان موضوع بسیار مهم، تبیین مختصات محوری انسان نوآور به عنوان فاعلی است که در ارتباط طولی با فاعلیت مطلق الهی قرار گرفته است.

بدیهی است هرگز ادعای احصای کامل را نداریم، بلکه به مهم ترین ویژگی های نوآور مسلمان با هدف نیل به توسعه به صورت موجز می پردازیم و دیدگاه قرآن کریم را درباره آنها طرح می کنیم.

۱-۲. عبودیت

«عبودیت» به معنای خضوع و خاکساری و تسلیم محض شدن در برابر اراده الهی و اعتقاد به فاعلیت مطلق الهی و نفی انانیت هاست و نتیجه چنین روحیه ای، فاصله گرفتن از شائبه گناهانی همچون جدال و مرء، غرور و دنیا طلبی و زیاده خواهی است. علمای فقه پرداختن به اعمال با قصد قربت و در جهت جلب رضایت الهی را از لوازم

ساختن برخی احکام دینی همچون تحقق امر به معروف و نهی از منکر و موضوع مشورت و نظرخواهی است.

از مطالب پیشین، تا حدی رویکرد اسلامی به کلیت موضوع آزادی بیان مشخص گردید. اما آنچه در این میان بسیار مهم است و الگوی مناسبی از محدوده های تعیین شده قرآنی در مبحث نوآوری نیز محسوب می شود، مرزهای آزادی بیان است؛ چراکه هر دوی این موضوعات همچون سایر احکام نظام مند و قاعده وار اسلامی و قرآنی، باید ضوابطی داشته باشند تا از وقوع هرج و مرج در جامعه جلوگیری شود و ارزش ها به ضد ارزش ها مبدل نشوند.

از جمله محدودیت هایی که در این زمینه در قرآن کریم مشخص شده است، می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- **توهین نکردن به مقدسات:** ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾ (انعام: ۱۰۸)؛ آنهایی را که جز خدا می خوانند دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی [و] به نادانی، خدا را دشنام خواهند داد.

- **توهین نکردن به شخصیت افراد:** ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُوا قَوْمٍ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءً مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ﴾ (حجرات: ۱۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند، شاید آنها از اینها بهتر باشند، و نباید زنانی زنان [دیگر] را [ریشخند کنند]، شاید آنها از اینها بهتر باشند، و از یکدیگر عیب مگیرید، و به همدیگر لقب های زشت مدهید.

- **اشاعه ندادن منکرات:** ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَن تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾ (نور: ۱۹)؛ کسانی که دوست دارند زشتکاری در میان آنان که ایمان آورده اند، شیوع یابد، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی پر درد خواهد بود.

عبودیت دانسته‌اند.^(۵۰) بدین ترتیب می‌توان گفت روحیه عبودیت، تقوا و تبعیت از اوامر الهی را به دنبال دارد و همچون سایر مفاهیم دینی که سیری صعودی و رو به کمال دارند، می‌توان آن را دارای مراتب و درجاتی دانست. کامل‌ترین و برجسته‌ترین وصف انسانی، در قرآن کریم، صفت عبودیت است. قرآن کریم کسانی را که از عبادت خدا امتناع می‌ورزند، سفیه قلمداد می‌کند و می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ﴾ (بقره: ۱۳۰)؛ و چه کسی - جز آنکه به سبک مغزی گراید - از آیین ابراهیم روی برمی‌تابد؟؛ چراکه به حکم عقل کمال هر موجودی در این است که مطابق نظام تکوینی خویش تابع و عبد خالق خود باشد.

قرآن کریم، عروج انسان کامل را به واسطه عبودیت معرفی می‌کند: ﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ﴾ (اسراء: ۱)؛ منزّه است آن خدایی که بنده‌اش را سیر داد.

بسیاری از پیامبران نیز در قرآن با عنوان «عبد» مورد خطاب قرار گرفته‌اند.^(۵۱) حتی برتری پیامبری همچون خضر، در علوم ظاهری، به واسطه سر نهادن در وادی عبودیت معرفی می‌شود.^(۵۲)

یکی از محققان معاصر در تبیین رابطه عبودیت و کمال معنوی و مادی افراد می‌نویسد:

عبودیت کمال کمالات است و همه کمالات انسانی در این جهت است که آدمی به عبودیت حق واصل شود و در مدارج و مراتب آن بالا رود. عبودیت تسلیم حق بودن و گردن نهادن به خواست الهی است؛ یعنی عبد جز رضای حق نخواهد و در برابر او در ذلت و اطاعت مطلق باشد... چنین کمال آدمی را با حقیقت خویش آشنا و همراه می‌کند؛ هرچه انسان در منازل و مراتب عبودیت حق بالاتر رود، به حقیقت انسانی خود نزدیک‌تر می‌شود و

اسما و صفات حق را بیشتر در خود جلوه می‌دهد... هیچ کمالی مانند عبودیت آدمی را به مقامی که شایسته آن است نمی‌رساند؛ زیرا انسان به میزانی که عبد خدای بشود، استعدادهايش در جهت کمال مطلق شکوفا می‌شود، و این مقام والاترین مقامات انسانی است. آدمی با گام زدن در مسیر عبودیت، به مقام بندگی واصل می‌شود و در نسبت با دیگر آدمیان، خود را در جایگاه خدایی نمی‌بیند و به هیچ روی گردان‌فرازی و خودکامگی نمی‌کند، بلکه خود و دیگران را بندگان پروردگاری می‌بیند که جز او خدایی نیست و چنین نگرشی زمینه‌ساز سلوک معنوی و روابط انسانی می‌شود.^(۵۳)

بدین ترتیب، نوآور مسلمانی که سرسپرده عبودیت گشته است، هرگز مغرور نمی‌شود و از توانایی‌های خود را در جهت نابودسازی هیچ‌یک از آفریده‌های الهی استفاده نخواهد کرد. تباه‌گری انسان در همه وجوه فردی، اجتماعی، خانوادگی، سیاسی، اقتصادی و حکومتی، در خروج انسان از مدار بندگی حق و عبودیت الهی و فرورفتن در منجلا ب خودمداری و شیطان‌صفتی و بت‌پرستی ریشه دارد.

آنچه سبب شد تا عبودیت را نخستین ویژگی نوآور مسلمان بشماریم، آثار غلبه روحیه عبودیت در افراد است. این آثار تأثیر مستقیمی بر کیفیت نوآوری‌ها در جامعه اسلامی دارد.

۲-۲. شرح صدر

کلمه «شرح» در اصل به معنای گسترش دادن^(۵۴) و یا به معنای ظرفیت، گنجایش و طاقت است.^(۵۵) کلمه صدر یا سینه در انسان بر قلب یا مرکز عواطف اطلاق می‌شود. «سعه صدر از جمله الطاف خداوند است که شخص را قوی،

تحولات عمیق و تمدن‌آفرین را در جوامع بشری برپا سازند. خردورزی پیش‌شرط پیشرفت افکار و تحولات در انسان و تکامل اوست.

قرآن مجید پیاپی مردم را به ارشاد عقل می‌خواند و راه اندیشیدن و خردمندی و به کار بستن دستوره‌های عقل را بر آنها می‌نمایاند. یکی از محققان در این باره می‌نویسد:

این توصیه و تشویق مؤکدی که اسلام در توجه به علم و علما می‌کرد از اسباب عمده در آشنایی مسلمین با فرهنگ و دانش انسانی بود. قرآن مکرر مردم را به فکر و تدبیر در احوال کائنات و به تأمل در اسرار آیات دعوت کرده بود، مکرر به برتری اهل علم و درجات آنها اشاره نموده بود و یک جا شهادت صاحبان علم را تالی شهادت خدا و ملائکه خوانده بود که این خود به قول امام غزالی در فضیلت و ثبات علم کفایت داشت. (۶۰)

کثرت آیاتی که در قرآن مجید، انسان را به تفکر هدفمند فرامی‌خواند، سبب اذعان به این می‌شود که نتیجه و ثمره عالی تفکر، ازدیاد نظام معرفتی، باز شدن درهای دانش، تکامل نظام اجتماعی و فرهنگی و رشد بخشی صنعتی است. در تفکر و تدبیر اسلامی ابعاد مختلف عبرت‌اندوژی و دانش‌افزایی نهفته است و حرکت فرد و جامعه را توأمان تضمین می‌کند.

برخی تحقق خردورزی به معنای صحیح و اسلامی آن را به استواری ایمان منوط دانسته و نوشته‌اند: تبلور ایمان در وجود انسان اندیشه او را شکوفا می‌کند و به خلّاقیت منجر می‌شود. در مقابل، شک‌ها و تردیدها مانع از تفکر و خلّاقیت است. به عبارت دیگر اعتماد نکردن به موضوع عمل یا اندیشه و تردید در دست‌یابی به نتیجه، هیجان‌ات‌کوری همچون ترس، اضطراب و یأس را بر انسان مسلط می‌سازد و جریان اندیشه را متوقف و

صبور و توانا می‌کند تا در خواسته‌های خود موفق شود. (۵۶) شرح صدر هم بر افزایش ظرفیت فکری و عقلی و هم بر افزایش توانمندی‌های روحی افراد قابل صدق است. بدین ترتیب با سعه صدر، از یک‌سو بر امکان درک و استنتاج افراد در فهم مسائل علمی افزوده می‌شود، و از دیگر سو تحمل ناملايمات بر آنان آسان می‌گردد.

ضيق صدر در مقابل سعه صدر قرارداد و «موجب تحیر در تصمیم و درماندگی در کار می‌شود. نوعی انفعال و تأثر روحی و از آثار کشش اندیشه‌ها و جواذب مختلف است و همین که انسان بتواند خود را از معرض جاذبه مخالف و تأثیرات آن برهاند و در یک جهت مصمم شود و به آن روی آرد، از تنگنای انفعال‌ها و تضادها بیرون می‌آید و سینه‌اش باز می‌شود و تصمیم می‌گیرد و مسیرش آسان می‌شود.» (۵۷)

از آنجا که «شرح صدر» در تفاسیر یکی از «افاضات الهی» (۵۸) و از «بزرگ‌ترین نعمت‌های خدا» (۵۹) قلمداد شده است، می‌توان گفت فردی که به صفت عبودیت آراسته شده، از چنین افاضاتی بهره‌مند خواهد شد.

پس دست‌آورد روحی و روانی عبودیت در نوآوران، افزایش ظرفیت فکری و روانی آنان برای تحمل سختی‌ها در فرایند پرفراز و نشیب نوآوری است.

۲.۳. خردورزی

از جمله مهم‌ترین امتیازات انسان بهره‌گیری از عنصر اندیشه است. در اهمیت تفکر و نقش آن در شکل‌گیری تحولات فردی و اجتماعی بررسی‌های بسیاری انجام گرفته است و در ارزش و اهمیت آن همین بس که پیامبران الهی دعوت خود را از تحول فکری شروع کردند. بدین ترتیب که در آغاز امر، تحولی ژرف در ساحت اندیشه انسان پدید آوردند تا بر پایه اندیشه توحیدی

عقل سلیم و هماهنگ با دریافت‌های فطری آدمی را در این سیر ضروری می‌دانند.^(۶۲) علامه جعفری در کتابی دیگر، غایت زندگی انسان را آفرینندگی می‌دانند و می‌نویسند: «هدف زندگی کنونی ما آفرینش، کار و پیکار برای بپا داشتن کاخ پیروزی و سعادت عظمت انسانیت است. سعادت در عصر ما یعنی آفرینش.»^(۶۳)

به این ترتیب می‌توان گفت غایت‌مندی یا جهت‌دار بودن نوآوران به معنای داشتن مفهوم روشنی از آرمان‌های زندگی و هدایت توانایی‌ها در جهت دست‌یابی به این اهداف است و نهادینه شدن چنین خصوصیتی در نوآوران سبب کارآمدسازی بیشتر نوآوری‌ها خواهد شد.

۲-۵. تلاشگری

روحیه تلاشگری و مداومت در عمل، ضامن بالندگی، نشاط و پویایی در حیات انسانی است. تلاشگری یکی از ارزش‌های مطرح در ادبیات قرآنی است. به گونه‌ای که تمام داشته‌های مادی و معنوی انسان، نشئت گرفته از کمیت و کیفیت سعی و تلاش انسان معرفی شده است. ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾ (نجم: ۳۹)؛ و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست.

برخی مفسران رابطه میان تلاش افراد و نتیجه حاصل شده از آن را «سنتی الهی» دانسته و در تعریف آن نوشته‌اند: سعی عبارت از آن کاری است که شخص به خواست و بنا بر فهم و درایت خویش به آن برخاسته باشد. پس حرکت کردن جزئی از سعی است و فهم و هدف و نیت نیز جزئی از آن به شمار می‌رود.^(۶۴)

در تفسیر نمونه در این خصوص آمده است:

جالب اینکه [آیه شریفه] نمی‌فرماید: بهره انسان کاری است که انجام داده، بلکه می‌فرماید تلاشی است که از او حاصل شده است، اشاره به اینکه مهم

سرچشمه فیاض اندیشه را به بیابانی تفتیده مبدل می‌کند. وقتی انسان خود را در پیوند با معدن قدرت و دانایی و خلّاقیت و رحمت می‌بیند، در حقیقت از مواهب آن برخوردار و از دانایی و خلّاقیت سرشار می‌شود.^(۶۱)

گفتنی است غرض از طرح مبحث خردورزی به عنوان یکی از شاخصه‌های افراد نوآور، فقط یادگیری مجموعه‌ای از دانش‌ها یا پیوستن ظاهری به سلک عالمان و متعلمان نیست، بلکه فرض داشتن روحیه علمی و حقیقت‌جویی و طرد موانع موجود در این مسیر است.

۲-۴. غایت‌مندی

هدف‌مندی جهان و انسان در قرآن به صورت یک واقعیت پذیرفته شده است. اسلام بر اساس جهان‌بینی الهی و توحیدی، از یک‌سو جهان را رو به سوی هدفی والا در حرکت می‌داند، و از دیگر سو انسان را امانت‌دار رسالت الهی و دارای آفرینشی هدفمند معرفی می‌کند.

بعضی از غایات آفرینش انسان، که در قرآن کریم مطرح شده عبارت‌اند از: عبادت، جان‌نشینی خداوند و دست‌یابی به حیات طیبه. در بین این غایات، حیات طیبه به حیات آگاهانه‌ای تعبیر شده است که نیروها و فعالیت‌های جبری و جبرنمای زندگی طبیعی را در مسیر هدف‌های تکاملی نسبی تنظیم نماید و شخصیت انسانی را به کمال برساند.

علامه جعفری پس از ارائه تعریف بالا به بررسی عناصر مطرح در حیات طیبه به نحو مشروح می‌پردازند. ایشان معتقدند تکاپوهای فکری و عقلانی در شناخت هویت و اصول و ارزش‌های حیات انسانی، که زندگی او را به حیاتی آگاهانه مبدل می‌سازد و او را در مسیر هدف‌های تکاملی قرار می‌دهد، در وصول افراد به حیات طیبه بسیار مهم است. ایشان استفاده منطقی از فعالیت‌های

انسان و تجهیز خدادادی او به توانمندی ایجاد تحول در حیطه زندگانی خویش، امکان تحقق تکامل معنوی و مادی انسان در طرق استفاده از مزایای طبیعت، انتخابگری، مکلف بودن و مورد آزمایش قرار گرفتن.

مهم‌ترین خصوصیتی که در وجود نوآور مسلمان ضروری به نظر می‌آید و در قرآن کریم نیز انسان‌ها بدان رهنمون شده‌اند عبارت‌اند از: عبودیت یا اعتقاد به فاعلیت مطلق الهی، خردورزی و برخورداری از داشتن روحیه علمی، شرح صدر و افزایش ظرفیت فکری و عقلی، غایت‌مندی و داشتن تعریف روشنی از آرمان‌ها، و تلاشگری.

تلاش و کوشش است هرچند انسان احیاناً به مقصد و مقصودش نرسد که اگر نیتش خیر باشد، خدا پاداش خیر به او می‌دهد، چرا که او خریدار نیت‌ها و اراده‌هاست، نه فقط کارهای انجام شده. (۶۵)

در قرآن کریم تلاشگری از صفات انبیا معرفی شده است. تلاش آنان، پیگیر بوده و هیچ ضعف و سستی بدان راه نداشته است. این تلاشگری از اراده آهنین و اعتقاد عمیق آنان منشأ گرفته بود. حضرت نوح علیه السلام از اولین انبیایی است که صفت جهد و تلاش را به منصفه ظهور رسانیده است. این موضوع در سیره پیامبران پس از نوح نیز کاملاً متجلی است. (۶۶)

یکی از معاصران دو موضوع آفرینشگری و تلاشگری را منوط به هم دانسته و نوشته است: «سعادت در عصر ما یعنی آفرینش و کار و پیکار؛ زیرا شرایط سعادت عینی آدمی را تنها از راه کار و پیکار باید گام به گام پدید آورد.» (۶۷)

به نظر می‌آید تلاشگری از جمله مهم‌ترین خصوصیات نوآوران محسوب می‌شود؛ چراکه انسان نوآور باایمان، مسئولیت‌پذیر و هدفدار، چنانچه در مسیر خود تلاش لازم را مبذول ندارد، به نتیجه‌ای شایسته نخواهد رسید و برعکس در صورت تمرکز فعالیت‌هایش به گونه‌ای مستمر بر موضوعی خاص، گشوده شدن ابواب رحمت و هدایت الهی را خواهد دید.

نتیجه‌گیری

نوآوری، یعنی روش ایجاد تحول در انگاره‌ها و بهره‌برداری از اندیشه‌های نو و خلأ‌قانه در حل موضوعات روزآمد، از جمله خاستگاه‌های مهم در مسیر تحقق توسعه اسلامی محسوب می‌شود.

قرآن کریم در آیات متعدد به ارکان و زیر ساخت‌های نوآوری اشاره کرده است که از آن جمله‌اند: فطرت‌مندی

پی نوشتها

- ۱- آذرنوش آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، ص ۷.
- ۲- فاطمه جان محمدی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۴۶.
- ۳- ابن منظور، لسان العرب، تعلیق علی شیری، ج ۱، ص ۴۱.
- ۴- اسماعیل بن حماد جوهری، تاج اللغة و صحاح العربیة المسمی الصحاح، ج ۳، ص ۹۸۶.
- ۵- شمس السادات زاهدی، فرهنگ جامع مدیریت، ص ۱۷۰.
- ۶- ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۵-۲۷.
- ۷- ابن منظور، همان، ج ۸، ص ۳۹۳.
- ۸- ر.ک: سیداحمد موتقی، «توسعه سیر مفهومی و نظری»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۶۳، ص ۲۲۳-۲۵۲.
- ۹- ر.ک: لوئیس بیک، «دگرگونی در مفاهیم و هدف‌های توسعه»، ترجمه حسین قاضیان، نامه فرهنگ، ش ۲۱، ص ۷۶.
- ۱۰- ر.ک: ناصر جهانیان، «تحول مفهوم توسعه و ارتباط آن با دین»، قیسات، ش ۲۵، ص ۱۱۰.
- ۱۱- علی آقابخشی، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۱۰۵.
- ۱۲- محمدجمال خلیلیان اشکذری، فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی (بررسی سازگاری و ناسازگاری)، ص ۲۳، نیز، ر.ک: محمدنقی نظریور، ارزش‌ها و توسعه، ص ۳۳؛ مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، ج ۱، ص ۱۳۵.
- ۱۳- ر.ک: حسین بشیریه، «بحران و تحول در تجدد»، نقد و نظر، ش ۴، ص ۴۳۵-۴۳۹.
- ۱۴- نساء: ۱۴۱.
- ۱۵- فاطر: ۱۰.
- ۱۶- بقره: ۱۹۴.
- ۱۷- عنکبوت: ۶۹.
- ۱۸- ر.ک: ناصر توره و طاهره محبوبی، «آسیب‌شناسی خلّاقیت و نوآوری در دانشگاه»، دانشگاه اسلامی، سال دوازدهم، ش ۱.
- ۱۹- ر.ک: نفیسه زروندی رحمانی، «جایگاه نوآوری و شکوفایی در قرآن»، بیئات، ش ۵۹.
- ۲۰- ادلّه قرآنی دال بر فطرت‌مندی آدمی: آیات تذکره (غاشیة: ۲۱ و مدثر: ۴۹-۵۰)، آیات نسیان (حشر: ۱۹، توبه: ۶۷)، آیات میثاق (اعراف: ۱۷۲-۱۷۳)، آیات فطری‌انگاری دین (ابراهیم: ۱۰، روم: ۳۰)، آیات التجاء (نحل: ۵۳، انعام: ۴۰-۴۱)، آیات اثبات‌کننده فطری بودن دیانت (حجرات: ۷، بقره: ۱۶۵). دلیل روایی دال بر فطرت‌مندی آدمی: حدیث نبوی (کل مولود یولد علی الفطرة)، محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۸، ص ۱۸۷.
- ۲۱- ر.ک: مرتضی مطهری، احیاء تفکر اسلامی، ص ۵۰.
- ۲۲- ر.ک: مرتضی مطهری، فطرت،
- ۲۳- عبدالله جوادی آملی، هدایت در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن)، ص ۱۷.
- ۲۴- مرتضی مطهری، فطرت، ص ۳۲-۳۴ و ۶۹-۷۳؛ نیز ر.ک: عبدالله حاجی صادقی، «فطری بودن گرایش به دین»، قیسات، ش ۳۶، ص ۵۶-۵۵؛ علی پریمی، «معرفت فطری در قرآن»، قیسات، ش ۳۶، ص ۱۱۰-۱۱۱؛ علی ربانی گلپایگانی، «فطرت در قلمرو اندیشه و رفتار»، نامه مفید، ش ۶، ص ۷۶؛ ر.ک: علی اکبر صادقی رشاد، «فطرت به مثابه دال دینی»، قیسات، ش ۳۶، ص ۱۹؛ رضا برنجکار، «فطرت در احادیث»، قیسات، ش ۳۶، ص ۱۳۹-۱۴۵؛ عبدالله نصری، خدا در اندیشه بشر، ص ۱۷۵؛ عبدالله جوادی آملی، فلسفه حقوق بشر، ص ۱۰۴؛ علی اصغر احمدی، فطرت بنیان روان‌شناسی اسلامی، ص ۱۴۸.
- ۲۵- مرتضی مطهری، فطرت، ص ۶۱؛ نیز ر.ک: علی ابوترابی، «ماهیت و ملاک بهنجاری از نظر اسلام»، معرفت، ش ۶۴، ص ۳۷؛ علی ربانی گلپایگانی، همان، ص ۸۴-۸۶.
- ۲۶- جعفر سبحانی، منشور جاوید قرآن، ص ۵۲.
- ۲۷- سیدعبدالحسین طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۱۵؛ ر.ک: مرتضی مطهری، ختم نبوت، ص ۷۶.
- ۲۸- ابن سینا، الاشارات و التنبیها، ص ۳۳۸.
- ۲۹- مرتضی مطهری، فطرت، ص ۱۳۷.
- ۳۰- سید محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۱۶۷.
- ۳۱- احمد امین، راه تکامل، ج ۵، ص ۵۱-۵۴.
- ۳۲- ر.ک: احمد واعظی، انسان از دیدگاه اسلام، ص ۱۵۲.
- ۳۳- ر.ک: جورج اف. نلر، هنر و علم خدّاقیت، ترجمه سید علی اصغر مسدد، ص ۱.
- ۳۴- سید محمدحسین طباطبائی، روابط اجتماعی در اسلام، ص ۷۲.
- ۳۵- مرتضی مطهری، انسان و سرنوشت، ص ۶۹.
- ۳۶- ر.ک: مرتضی مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، ص ۷.
- ۳۷- همان، ص ۵۳.
- ۳۸- ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَیْهَا﴾ (یونس: ۱۰۸)؛ ای مردم حق از جانب پروردگارتان برای شما آمده است پس هر که هدایت یابد به سود خودش هدایت می‌یابد و هر که گمراه گردد به زیان خود گمراه می‌شود. نیز، ر.ک: اسراء: ۱۵، نمل: ۹۲، زمر: ۴۱.
- ۳۹- ﴿لَا يَكْفُلُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا

۱۷۲. اکتسبت ﴿ (بقره: ۲۸۶)؛ هیچ کس جز به قدر وسعش مکلف نمی شود. نیز، رک: اعراف: ۴۲؛ مؤمنون: ۶۲؛ طلاق: ۷.
۴۰. ﴿ فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ ﴾ (فجر: ۱۵)؛ اما انسان هنگامی که پروردگارش وی را می آزماید. نیز، رک: احزاب: ۱۴؛ آل عمران: ۱۸۶؛ بقره: ۱۵۵؛ محمد: ۳۱؛ کهف: ۷ و ...
۴۱. ﴿ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ﴾ (بقره: ۳۰)؛ من در زمین جانشینی خواهم گماشت. نیز، رک: نور: ۵۵.
۴۲. مرتضی مطهری، *آشنایی با قرآن*، ج ۳، ص ۲۲۴.
۴۳. مرتضی یوسفی راد، *اندیشه های سیاسی علامه محمدتقی جعفری*، ص ۱۷۷-۱۷۸.
۴۴. مرتضی مطهری، *پیرامون انقلاب اسلامی*، ص ۶۳.
۴۵. جعفر سبحانی، *آزادی و دین سالاری*، ص ۴۲.
۴۶. همان، ص ۵۸.
۴۷. محمدبن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۸، ص ۲۲۹.
۴۹. سیدحسین اسحاقی، *آزادی در اسلام و غرب*، ص ۹۱.
۵۰. یوسف بحرانی، *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، تحقیق محمدتقی ایروانی، ج ۲، ص ۱۷۷.
۵۱. ایوب: ص: ۴۴؛ نوح: اسراء: ۳؛ ابراهیم: انبیاء: ۷۲؛ عیسی: مریم: ۳۰؛ یوسف: یوسف: ۲۴.
۵۲. ﴿ فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا ﴾ (کهف: ۶۵).
۵۳. مصطفی دلشاد تهرانی، *کمالات انسانی در نهج البلاغه*، ص ۱۸۱-۱۸۲.
۵۴. حسن مصطفوی، *التحقیق فی کلمات القرآن*، ج ۶، ص ۳۱.
۵۵. فخرالدین طریحی، *مجمع البحرین*، ج ۲، ص ۳۸۰؛ خلیل بن احمد فراهیدی، *کتاب العین*، ج ۳، ص ۹۳.
۵۶. سید علی اکبر قرشی، *قاموس قرآن*، ج ۴، ص ۱۳.
۵۷. سید محمود طالقانی، *پرتوی از قرآن*، ج ۴، ص ۱۵۳.
۵۸. ابراهیم عاملی، *تفسیر عاملی*، ج ۸، ص ۶۰۷.
۵۹. فضل بن حسن طبرسی، *مجمع البیان تفسیر القرآن*، ص ۷۷۱.
۶۰. عبدالحسین زرین کوب، *کارنامه اسلام*، ص ۲۶.
۶۱. حمیدرضا مظاهری سیف، «تحریف تعالیم اخلاقی و تباهی تمدن اسلامی»، *کتاب نقد*، ش ۴۰، ص ۱۰۶.
۶۲. محمدتقی جعفری، *حیات معقول*، ص ۳۸-۵۷.
۶۳. همو، *فلسفه و هدف زندگی*، ص ۷۹.
۶۴. محمدتقی مدرس، *من هدی القرآن*، ج ۱۴، ص ۸۸.
۶۵. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، همان، ج ۲۲، ص ۵۵۰.
۶۶. عبداللطیف الرازی، *المنهج الحرکی فی القرآن الکریم*، ص ۱۷۲.
۶۷. محمدتقی جعفری، *فلسفه و هدف زندگی*، ص ۷۹.
- منابع**
- آذرنوش، آذرتاش، *فرهنگ معاصر عربی - فارسی*، تهران، نی، ۱۳۸۱.
- آقابخشی، علی، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۵.
- ابن سینا، *الاشارات و التنبیها*، تهران، نشر کتاب، ۱۴۰۳ ق.
- ابن منظور، *لسان العرب*، تعلیق علی شیری، بیوت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- ابوترابی، علی، «ماهیت و ملاک بهنجاری از نظر اسلام»، *معرفت*، ش ۶۴، بهار ۱۳۷۱، ص ۲۷-۳۲.
- احمدی، علی اصغر، *فطرت بنیان روان شناسی اسلامی*، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- اسحاقی، سیدحسین، *آزادی در اسلام و غرب*، قم، مرکز پژوهش های صداوسیما، ۱۳۸۴.
- امین، احمد، *راه تکامل*، چ هفتم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۱.
- بٹک، لوئیس، «دگرگونی در مفاهیم و هدف های توسعه»، ترجمه حسین قاضیان، *نامه فرهنگ*، ش ۲ و ۱، پاییز ۱۳۷۵، ص ۱۵-۲۵.
- بحرانی، یوسف، *الحدائق الناضرة*، تحقیق محمدتقی ایروانی، قم، جامعه مدرسین، بی تا.
- برنجکار، رضا، «فطرت در احادیث»، *قبسات*، ش ۳۶، پاییز ۱۳۸۴، ۱۳۹-۱۴۵.
- بشیریه، حسین، «بحران و تحول در تجدد»، *نقد و نظر*، ش ۴، زمستان ۱۳۸۰، ص ۷۰-۷۸.
- پریمی، علی، «معرفت فطری در قرآن»، *قبسات*، ش ۳۶، زمستان ۱۳۸۴، ص ۲۹-۳۷.
- تودارو، مایکل، *توسعه اقتصادی در جهان سوم*، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۹.
- جان محمدی، فاطمه، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، قم، معارف، ۱۳۸۶.
- جعفری، محمدتقی، *حیات معقول*، چ دوم، تهران، بنیاد تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۳۶۱.
- _____، *فلسفه و هدف زندگی*، قم، کتابخانه صدر، بی تا.

- جوادی آملی، عبدالله، **هدایت در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن)**، چ دوم، قم، اسراء، ۱۳۷۹.
- ، **فلسفه حقوق بشر**، چ چهارم، قم، اسراء، ۱۳۸۳.
- جوهری، اسماعیل بن حماد، **تاج اللغة و صحاح العربیة المسمی الصحاح**، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۶ق.
- جهانیان، ناصر، «تحول مفهوم توسعه و ارتباط آن با دین»، **قیسات**، ش ۲۵، بهار ۱۳۷۷.
- حاجی صادقی، عبدالله، «فطری بودن گرایش به دین»، **قیسات**، ش ۳۶، پاییز ۱۳۸۴، ص ۲۲-۳۳.
- خلیلیان اشکذری، محمدجمال، **فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی (بررسی سازگاری و ناسازگاری)**، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۱.
- دلشاد تهرانی، مصطفی، **کمالات انسانی در نهج البلاغه**، چ دوم، دریا، ۱۳۸۱.
- راضی، عبداللطیف، **المنهج الحرکی فی القرآن الکریم**، بیروت، دارالمنتدی، ۱۹۹۰م.
- ربانی گلپایگانی، علی، «فطرت در قلمرو اندیشه و رفتار»، **نامه مفید**، ش ۶، بهار ۱۳۷۵، ص ۳۲-۴۷.
- زاهدی، شمس السادات، **فرهنگ جامع مدیریت**، چ دوم، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۹.
- زرین کوب، عبدالحسین، **کارنامه اسلام**، چ نهم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲.
- سبحانی، جعفر، **آزادی و دین سالاری**، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۴.
- ، **منشور جاوید قرآن**، چ دوم، قم، فرهنگ، ۱۳۶۱.
- صادقی رشاد، علی اکبر، «فطرت به مثابه دال دینی»، **قیسات**، ش ۳۶، پاییز ۱۳۸۴، ص ۴۵-۵۳.
- طالقانی، سید محمود، **پرتوی از قرآن**، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲.
- طباطبائی، سید محمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۷۰.
- ، **روابط اجتماعی در اسلام**، بی جا، آزادی، بی تا.
- طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، چ دهم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- طریحی، **مجمع البحرين**، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ق.
- طیب، سید عبدالحسین، **اطیب البیان فی تفسیر القرآن**، تهران، اسلام، ۱۳۷۸.
- عاملی، ابراهیم، **تفسیر عاملی**، تهران، صدوق، ۱۳۶۰.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، **کتاب العین**، قم، اسوه، ۱۴۱۴ق.
- قرشی، سید علی اکبر، **قاموس قرآن**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲.
- کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۴۸.
- مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، ط الثانیة، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- مدرسی، سید محمدتقی، **من هدی القرآن**، تهران، محبی الحسین، ۱۴۱۹ق.
- مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
- مطهری، مرتضی، **آشنایی با قرآن**، چ چهارم، تهران، صدرا، ۱۳۷۰.
- ، **احیاء تفکر اسلامی**، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.
- ، **انسان و سرنوشت**، چ نهم، تهران، صدرا، ۱۳۶۹.
- ، **پیرامون انقلاب اسلامی**، تهران، صدرا، ۱۳۷۰.
- ، **ختم نبوت**، قم، دارالتبلیغ اسلامی، بی تا.
- ، **فطرت**، چ ششم، تهران، صدرا، ۱۳۷۳.
- مظاهری سیف، حمیدرضا، «تحریف تعالیم اخلاقی و تباهی تمدن اسلامی»، **کتاب نقد**، ش ۴۰، ۱۳۸۲.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- موتقی، سیداحمد، «توسعه سیر مفهومی و نظری»، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، ش ۶۳، بهار ۱۳۸۳، ص ۲۲۳-۲۵۲.
- نصری، عبدالله، **خدا در اندیشه بشر**، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۳.
- نظریور، محمدتقی، **ارزش ها و توسعه**، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸.
- نلر، جورج اف، **هنر و علم خلاقیت**، ترجمه سید علی اصغر مسدد، چ دوم، شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۰.
- واعظی، احمد، **انسان از دیدگاه اسلام**، تهران، سمت، ۱۳۷۷.
- یوسفی راد، مرتضی، **اندیشه های سیاسی علامه محمدتقی جعفری**، قم، بوستان کتاب، بی تا.